

متن پرسش

مرا ببخشید که بغض نوشته‌هایم را اینجا اشک می‌ریزم. حرفها دارم در این سینه‌ی چون کوه سنگین شده. کوهی از درد بر دلم جا خوش کرده‌ست. واژه‌ها هم واژه‌های قدیم ... جور دیگری به صاحب کلام دل می‌دادند. حالا باید ناز واژه را کشید آوردش در زبان آنوقت همان واژه‌ی خائن دو روز بعد سر از قلم‌مزدوری در می‌آورد که تمام رشته‌ی کلام را نرسیده، پاره می‌کن. بگذریم ... بگذار از معامله‌ی انقلاب برایت بگویم. از اینکه من، جوان امروز انقلاب چه سنگین معامله را باخته‌م. آنجا من که همه چیزم را فدا کردم، عوضش یک مشت درد در دامانم ریخته‌اند ... معامله آنجا جالب می‌شود که بدانی هر آنکس که بیشتر داد، دردمند تر شد ... گویا امروز انقلاب اصرار دارد ابعاد دیگر فقرم را به رخ م‌بکشد. در به درم. در به درچاه‌زمان! چاهی که در آن هرچه درد محبوس شده در سینه را فریاد کنم. شاید چاه هم میراث پدرمان علی‌ست. تو گویی زخم‌های دیروز حسین بن علی صدای دردهای امروز ماست آنجا که زخم بر زخم بوسه می‌زد، درد بر درد شکوفه کرد ... «من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر» کسی چه می‌داند؟! شاید قضای نجب انقلاب به ادای انتظارش رسیده‌ست. و من که میان قضا و ادای آن رسیده‌م ما فی ذمه‌ی کدام نماز انقلابی‌م را امروز باید به جا بیاورم؟ این بار کدامین تاریخ گمنام‌ست که هنوز نیامده وزن‌ش را بر جنین ضعیفی چون من بی‌خبر از همه جا، انداخته‌ست؟ و این سوال امروز من‌ست از هر آنکس که بر بلندای انقلاب به تماشای افق‌های دور دست، خیره نشسته‌ست: «ما امروز کجای انقلاب ایستاده‌ایم؟! ما امروز کجا ایستاده‌ایم؟!» حقیقتا که می‌داند؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این جا جایی است که کم‌تر کسی می‌تواند حقیقت تاریخی آن را درک کند. این جا دوران فترت است. این جا جایی نیست که عقلایی که با انقلاب اسلامی معامله‌ی دنیایی و شهرت کردند، بتوانند بمانند. این جا جای عاشقانی است که در آخرین قطره‌های سخن خونین خود فرمودند: «مگر بیش از این است که فرزندان عزیز اسلام ناب محمدی در سراسر جهان بر چوبه‌های دار می‌روند؟ مگر بیش از این است که زنان و فرزندان خردسال حزب الله در جهان به اسارت گرفته می‌شوند؟ بگذار دنیای پست مادیت با ما چنین کند ولی ما به وظیفه‌ی اسلامی خود عمل کنیم.» [۱] و حرف بنده بیش از این یک کلمه نیست که تا ما با حضرت روح الله «رضوان الله تعالی علیه» و این سخن آتشین‌اش زندگی می‌کنیم، زنده‌ایم و لاغیر. موفق باشید

[۱] - امام خمینی «رضوان الله تعالى علیه»، در تاریخ ۸ / ۱ / ۶۸.